

# آتش دائم

منتخبی از گفتارهای

ربای لوباویچ

ربی مناخم مندל شینرسون

Torah studies ترجمه کتاب

از ربی جانانان ساکس. ام. ا. (کتاب) دکترای فلسفه

ترجمه فارسی بوسیله

پرویز مزدهی

Translated into Farsi by:

Mr. Parviz Mojdehi

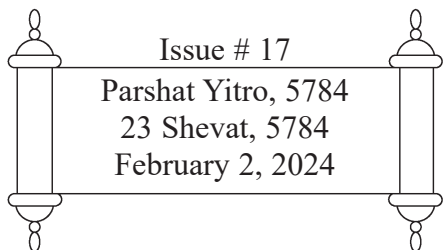
\*

Reprinted with permission by:

Chabad Persian Youth

&

Moshiach Awareness Center



Friday, February 2, Light Shabbat Candles, by 5:05 p.m

Saturday, February 3, Shabbat ends at 6:10 p.m.

(Times are for Los Angeles)

IN LOVING MEMORY OF MY DEAR FATHER  
Horav **Yehoshua Binyomin** ben Horav **Sholom Dovber** ob"m

**Gordon**

The Rebbe's devoted Shliach for over four decades  
Executive Director of *Chabad of the Valley*  
and its 26 centers, spiritual leader of *Chabad of Encino*  
Passed away on 29 Shevat, 5776

ת. נ. צ. ב. ה.

\*

DEDICATED BY HIS SON

Rabbi & Mrs. **Yossi and Daniella** שיחי **Gordon**

Chabad of Woodland Hills, California

**JEWISH CHILDREN:**

**Get your own letter  
in a Sefer Torah!**

<http://www.kidstorah.org>

Reprinted with permission by:

CPY

**Chabad Persian Youth**

9022 W Pico Boulevard.

Los Angeles, CA 90035

Tel.: (310) 777-0358

Fax: (310) 777-0357

<http://www.cpycenter.org>

e-mail: [cpycenter@sbcglobal.net](mailto:cpycenter@sbcglobal.net)

**Rabbi Hertzal Peer**, Executive Director

&

**Moshiach Awareness Center,**

a Project of:

**Enlightenment For The Blind, Inc.**

602 North Orange Drive.

Los Angeles, CA 90036

Tel.: (323) 934-7095 \* Fax: (323) 934-7092

<http://www.torah4blind.org>

e-mail: [yys@torah4blind.org](mailto:yys@torah4blind.org)

**Rabbi Yosef Y. Shagalov**, Executive Director

Printed in the U.S.A.

TO DEDICATE AN ISSUE IN HONOR OF  
A LOVED ONE, CALL (323) 934-7095

For this and other books on Moshiach & Geulah, go to: <http://www.torah4blind.org>

## ییترو

در این مبحث دو موضوع و عقیده مختلف در چگونگی اهداء تورا مورد بحث قرار گرفته است . صاحبان این عقاید ربی عقیبا و ربی یهوشوع می باشند و تفاوت این عقیده ها نشان دهنده تفاوت در نوع عبادت آنها می باشد. موضوعی که مورد بحث قرار می گیرد آن است که زمانی که خداوند ده فرمان را به یسرائل ها میداد. آنها چگونه جواب دادند. وقتی که تورا می گوید که آنها صداها را دیدند آیا آنها ، به معنای واقعی کلمه ، صداها را دیدند و یا آنکه فقط آنها را شنیدند. از این مطالب بسیار ساده ما به کشف اصول اساسی در یهودیت دست می یابیم و بخصوص تفاوت نوع تفکر انسان های صدیق و انسانهای توبه کار(بعلی تشووا) برای ما روشن می شود .

### ۱- جواب یسرائل ها

موضوع اهداء تورا به یسرائل ها با این پاسوق شروع میشود "و خداوند تمامی این مطالب را گفت از این قرار" <sup>۱</sup> کلمه «از این قرار» که ترجمه لغت «لمور» می باشد دارای معنای دقیق تر "به دیگران گفتن" نیز می باشد . <sup>۲</sup> بنابراین معنای پاسوق بالا اینگونه میشود که مُشه می بایست کلمات خداوند را به بنی یسرائل بگوید و یا منتقل کند. ولی این موضوع نمی تواند درست باشد چرا که در زمان اهداء تورا، خود خداوند با همه یسرائل ها صحبت می کند. و حتی معنای آن نمی تواند منتقل کردن هم باشد چرا که ما به عنوان سنت داریم که تمامی نشاماهای یسرائل ها چه در آینده و چه در گذشته همگی در سینای حاضر و شاهد این ظهور الهی بودند <sup>۳</sup> .

در مسخت مخیلتا کلمه «لمور» اینگونه تعریف می شود که برای هر فرمان بنی یسرائل به خداوند جواب دادند و کلمه «لمور» جواب بنی یسرائل به خداوند است که به معنای آن است که هر آنچه را که خداوند می گوید (تمامی قوانین خداوند) را انجام میدهیم .

اما در همین مسخت (مخیلتا) دو عقیده مختلف در چگونگی ارائه این جواب آورده شده است. ربی ایشمانل از یکطرف عقیده دارد که در مورد قوانین امر آنها جواب دادند «بله» و در مورد فرامین نهی آنها جواب دادند «نه» (به این معنا که آنها هر آنچه را که خداوند می گوید انجام بدهند را انجام میدهند و هر آنچه را که خداوند می گوید انجام ندهند انجام نمیدهند.)



**E-Z Office Machines**  
LA's Easy Office Solution

**In Business Since 1990**

**SALE • SERVICE • REPAIR  
RENT • LEASE**

• COPIERS	ISAAC
• LASER PRINTERS	310-557-0702
• FAX	FREE PICK-UP
• TYPEWRITERS	& DELIVERY

1439 S. ROBERTSON BLVD., LOS ANGELES, CA 90035  
www.ezofficemachines.com

This week's issue is sponsored in part by:

**B"H**

**YOSEF Y. SHAGALOV**  
**Traveling Notary Public & Home Signing Agent**  
*Member: National Notary Association*

Cell Phone: (323) 934-7095 • Fax: (323) 934-7092  
E-mail: yys770@aol.com

---

"For All Your Notary Needs - At **Your** Location"

۱-شموت ۱-۲۰  
۲-رجوع شود به راشی ۱۲-۱۹ و ویقرا ۱-۱

۳-پیرکی دربی الیعزر فصل ۴۱ - شموت ربا ۶-۲۸ تنخوما ییترو ۱۱ زهر بخش اول ۹۱ الف

ربی عقیوا از طرف دیگر، معتقد است که بنی بیسرائل هم در مورد فرامین امر و هم در مورد فرامین نهی هر دو جواب دادند "بله" (به این معنا که آنها خواسته خداوند را به هر شکلی که باشد انجام خواهند داد) اما تفاوت اساسی مابین این دو عقیده چیست؟ آیا هر دو عقیده اصولاً یک مطلب را نمی گویند؟

## ۲- صدای رعد و برق

در مورد وضعیتی که در زمان اهداء تورا ایجاد شد مابین ربی ایشمائل و ربی عقیوا تفاوت عقیده دیگری نیز وجود دارد در این مورد در تورا آمده است که "تمامی قوم صداهاى رعد و برق ها را دیدند"<sup>۴</sup>. مسئله این است که چگونه می توان صدا را دید؟ از یک طرف، ربی ایشمائل می گوید که آنها آن چیزی را دیدند که بصورت معمول می توان دید و آن چیزی را شنیدند که بصورت معمول می توان شنید او کلمه دیدن را نه برای صداها بلکه برای رعد و برق ها استفاده می کند. از طرف دیگر، ربی عقیوا می گوید که آنها آنچه را که بصورت معمول شنیده می شود را دیدند و آنچه را که بصورت معمول دیده میشود را شنیدند. به عبارت دیگر او معتقد است که بنی بیسرائل واقعا صداها را دیدند و برق ها را ندیدند بلکه آنها را شنیدند. اصل کلی بر این است که خداوند هرگز معجزه ای را بدون علت انجام نمیدهد. از این اصل ما این نتیجه را می گیریم که این معجزه ای که ربی عقیوا آنرا عنوان می کند چیزی اضافه بر اهداء تورا نبوده بلکه جزئی از آن و قسمت اساسی از آن بوده است. او معتقد است که در موقع اهداء تورا بنی بیسرائل به آنچنان درجه معنوتی رسیدند که حواس آنها قدرت های معجزه آسا پیدا کرده بود به این ترتیب پاسوق " آنها صداهاى (رعد) و برق را دیدند". به حالات روحانی و عرفانی بنی بیسرائل مربوط می شود. در این صورت درک عقیده ربی ایشمائل برای ما مشکل می شود چرا که او این عبارت را به عنوان مطلبی بسیار طبیعی تفسیر می کند.

## ۳- تفسیر راشی

از آنجا که این دو تفاوت عقیده مربوط به یک موضوع است و مابین دو ربای واقع شده است ما می توانیم تصور کنیم که عقیده آنها در مورد چگونگی جواب بیسرائل ها با عقیده آنها در مورد چگونگی دیدن صداها در رابطه است. (یکی دیگری را بدنبال خود می آورد).

**To Place Your Advert  
Here:  
call (323) 934-7095**

تشنگی انجام میشوند و نه بخاطر خدا .

و به این ترتیب از آنجا که دنیای فیزیکی برای او همچون یک واقعیت مستقل می باشد و او هنوز می تواند بدی را درک کند راشی تفسیر ربی ایشمائل را می آورد که بیسرائل ها به اوامر نهی جواب نه دادند .

در واقع اگر چه راشی تفسیر ربی عقیوا را می آورد که بیسرائل ها آنچه را که طبیعتا شنیده میشود را دیدند این مطلب حتی با عقیده ربی ایشمائل هم هماهنگ است برای آنکه این مطلب اشاره به کسی می کند که هم اکنون در راه خداوند قرار گرفته است ، و می تواند حضور خداوند را در محدودیت های این دنیا نیز احساس کند . این مطلب که او آنچه را که طبیعتا شنیده می شود را می شنود سمیل این موضوع می باشد . (به این معنا که حضور الهی آنچنان پوشیده و پنهان است که تنها در نتیجه دلایل منطقی اثبات می شود) . اما در ابتدای این راه انسان می بایست تنها در درجه و سطح دیدن آنچه را که شنیدنی است به خداوند مربوط بشود . (به این معنا که حضور الهی به آسانی قابل درک است) .

تأثیر تفسیر راشی بر رفتار یک شخص یهودی آن است که زمانی که جهان هنوز بر او فشار می آورد . او میبایست کوشش کند که احساسش را از وجود خداوند آنچنان واضح و روشن بکند که انگار در حال دیدن او می باشد . اما این تنها مرحله ابتدائی است که از طریق آن او می بایست به یکی از این دو طریق کمال دست یابد . یعنی طریق ربی ایشمائل طریق صدیقیم "آوردن خداوند به پائین ترین سطح این جهان" و یا طریق ربی عقیوا طریق توبه کاران یعنی "بالا بردن سطح روحانی جهان تا آخرین درجات مشاهده خداوند" . تا آنجا که این جهان تنها به عنوان ظهور خواسته خداوند دیده بشود . و از آنجا که هر دو راه راههای تورا هستند . هر دو آنها درست و واقعی اند و بنابراین انسان می بایست هر دو این جنبه ها را در زندگی روحانی اش با هم ترکیب کند .

(Source: Likkutei Sichot,  
Vol. 6, pp. 119-129)

(منبع : لیکوتی سیخوت جلد ششم ص ۱۱۹ الی ۱۲۹)

این موضوع بنظر می رسد که با تفسیر راشی مغایرت دارد . برای آنکه راشی در مورد کلمه «لمور» عقیده ربی ایشمائل را ذکر می کند (که بنی بیسرائل به فرامین امر گفتند بله و به فرامین نهی گفتند نه) . اما در مورد عبارت صداها را دیدند او فقط قسمتی از عقیده ربی عقیوا را ذکر می کند و نه تمام آنرا (که آنها آنچه را که بصورت معمول قابل شنیدن است را دیدند) .

از آنجا که تفاسیر راشی دارای هماهنگی و یکسانی هستند اینطور بنظر می آید که به عقیده راشی در اینجا این دو مطلب (چگونگی جواب بیسرائل ها و چگونگی دیدن صداها) با یکدیگر در رابطه نمی باشند . چرا که او عقیده ربی ایشمائل را در یک سؤال عنوان می کند و عقیده ربی عقیوا را در یک سؤال دیگر . اما این مطلب درست نمی باشد . چرا که راشی فقط قسمتی از تفسیر ربی عقیوا را می آورد و قسمت دیگر را که "بیسرائل ها آنچه را که بصورت معمول قابل دیدن است را شنیدند" را حذف می کند . و این همان قسمت حذف شده است که با عقیده ربی عقیوا در مورد اینکه بیسرائل ها به فرامین امر و فرامین نهی هر دو گفتند بله هماهنگی کامل دارد و راشی آن را ذکر نمی کند . و علت اینکه راشی جواب ربی ایشمائل را به یک سؤال و نیمی از جواب ربی عقیوا را به سؤال دیگر انتخاب می کند آن است که این جواب ها برای درک ساده تورا مناسب ترین هستند مطلبی که بسیار مورد توجه راشی است چگونه اینگونه است توضیح میدهم .

## ۴ - تصویر و صدا

برای شروع ما می بایست تفاوت مابین دیدن و شنیدن را درک کنیم .

اولا تأثیری که دیدن یک واقعه بر انسان می گذارد از تأثیری که شنیدن آن بر روی انسان می گذارد بسیار قوی تر است . تا آنجا که "شاهد عینی واقعه در مورد آن واقعه نمی تواند قضاوت کند" . برای آنکه هیچگونه عقیده مخالفی نمی تواند عقیده او را در مورد آنچه که شاهد آن بوده است رد کند . اما اگر چنانچه او فقط در مورد واقعه ای شنیده باشد او می تواند عقاید متضاد را گوش کرده و مابین این عقاید قضاوت کند .

ثانیا تنها پدیده های فیزیکی و مادی که قابل لمس هستند را می توان دید . در حالی که آنچه که شنیده میشود مانند صدا - کلمه و عقیده قابل لمس نیستند .

و از آنجا که انسان یک موجودیت فیزیکی است . طبیعی است که پدیده های فیزیکی بیشترین

تاثیر را روی او می گذارند. در حالیکه روحانیت بخاطر آنکه تنها با شنیدن و درک کردن است که کسب می شود. تاثیر آن بر انسان ضعیف تر است. این مطلب نوع تاثیری را که اهداء تورا بر روی بیسرائل ها گذاشت را توضیح میدهد. آنها آنچه را که بطور طبیعی شنیده میشد را دیدند. به این معنا که روحانیت برای آنها همچون دنیای آشنای پدیده های فیزیکی قابل لمس و مسلم شده بود. در واقع زمانی که آنها کلمات من هستم (ذات الهی) خداوند (که ورای جهان هستم) خدای شما (در جهان وجود دارم) را شنیدند ذات الهی جلو چشمانشان آشکار شد.

در زمان انجام چنین حالتی حقیقت وجود جهان نیز شناخته میشود و آن اینکه جهان موجودیتی قائم به ذات خود نیست بلکه موجودیتش کاملا بستگی به خواست خداوند دارد و در مقابل اراده خداوند کاملا هیچ است. اگر چنین است ما چگونه بدانیم که جهانی وجود دارد و موجودیت آن تنها یک خیال و تصور نیست؟ به وسیله رجوع به پاسوق تورا که می فرماید در ابتدا خداوند آسمان و زمین را آفرید. و به عبارت دیگر پاسوق بیسرائل ها "آنچه را که طبیعتا دیده میشد را شنیدند" به معنای آن است که آنها فقط بطور منطقی (و نه بوسیله احساساتشان) قبول کردند که دنیای فیزیکی وجود دارد.

## ۵- تفسیر ربی ایشائل

اما اگر چنین است بنابراین در تفسیر ربی ایشائل که می گوید آنها فقط آنچه را که بطور معمولی دیدنی و شنیدنی است را دیدند و شنیدند، بیسرائل ها دارای چگونه ارتقاء روحانی شدند؟ چگونه میشود این مطلب را توضیح داد در حالی که میدانیم که این واقعه ظهور خداوند در تاریخ بی نظیر بوده است؟

توضیح این است که بزرگترین واقعه در اهداء تورا این بوده است که «خداوند در کوه سینیای فرود آمد». <sup>۶</sup> اوج عظمت الهی پائین آمد و معجزه در این بود که خود خداوند می بایست در محدوده طبیعت ظاهر شود. به همین علت بود که این مطلب آنچنان غیر معمول بود که بیسرائل ها بدون هیچ گونه تغییری در حواس شان خداوند را در ذاتش درک کردند و آنچنان از خود بی خود شدند که «آنها به لرزه افتادند و به عقب ۷ رفتند».

مردان وفادار را شاهد می گیرم. اوربای کاهن را و زخریا پسر بیرخیا<sup>۱۵</sup>. چگونه رابطه ای است مابین اوریا و زخریا؟ اوریا در زمان بیت همیقداش اول زندگی میکرد در حالیکه زخریا در زمان بیت همیقداش دوم. اما یسعیا آنها را در یک پاسوق می آورد و نبوت آنها را به هم وصل می کند. اوریا پیامبر اینگونه نبوت می کند "بنابراین صیون بخاطر شما همچون مزرعه ای شخم زده خواهد شد." و زخریا اینگونه نبوت می کند که "زمانی میرسد که پیرزنان و پیرمردان در محله های بزرگ یروشالایم خواهند نشست." تا زمانی که نبوت اوریا انجام نشده است من می ترسیدم که نبوت زخریا هم انجام نشود ولی حال که می بینیم که نبوت اوریا انجام شد مطمئن هستم که نبوت زخریا هم انجام میشود.

حتی در تاریک ترین لحظات تاریخ قوم بیسرائل - زمانی که شغال ها آزادانه در مقدس ترین مکان های ماریت و آمد می کنند ربی عقیوا فقط خوبی ها را می دید و این اثبات این مطلب است که نبوت زخریا عملی خواهد شد.

## ۹- معنای تفسیر راشی

دو نوع عبادتی که ربی عقیوا (بعل تشووا) و ربی ایشائل سمبل آنها هستند یعنی عبادت یک فرد صدیق و عبادت یک فرد توبه کار، تنها برای کسانی است <sup>۱۶</sup> که لااقل تا یک حدی در راه تکامل معنوی خویش می باشند. اما برای یک بیچه پنج ساله (و یا عموما برای کسانی که در ابتدای این راه هستند) که راشی تفسیر خود را برای آنها نوشته است فقط لازم است که قسمتی از توضیح ربی عقیوا را آورد که می گوید "آنها آنچه را که معمولا شنیده میشود را دیدند." بخاطر آنکه در فصل اول کتاب شولحان آروخ آمده است که ابتدای عبادت خداوند آن است که انسان "همواره خداوند را در جلو خودش قرار داده و در مد نظر خود داشته باشد." به عبارت دیگر کوشش باید همواره در این جهت باشد که خداوند را "آنچه معمولا شنیده میشود" برای خود آنچنان واقعی بکند که انگار شخص واقعا با چشمان خودش خداوند را می بیند.

اما راشی آن قسمت بقیه را که می گوید "آنها آنچه را که معمولا دیده میشود را شنیدند." را در تفسیر خود نمی آورد برای آنکه به هر اندازه ای که خداوند برای کسی واقعی باشد. در ابتدای زندگی روحانی، این جهان است که بنظر میرسد که یک واقعیت طبیعی و قابل لمس است و اعمال فیزیکی همچون خوردن و نوشیدن هنوز بخاطر انگیزه های فیزیکی همچون گرسنگی و

## ۶- کوهن و بلع تشوا

چرا ربی ایشمائل و ربی عقیوا عقاید متضادی در مورد آنچه که در واقعه اهداء تورا اتفاق افتاد دارند؟

ربی ایشمائل کاهن اعظم بود (کهن گادول) و<sup>۸</sup> طبیعت عمل یک کوهن آن است که "برای خداوند مقدس بشود"<sup>۹</sup> و نوع عبادت او همچون عبادت یک فرد صدیق است که معنویت را به این جهان می آورد. (معنویت را از بالا به پائین بیاورد). به همین علت است که او بزرگترین معجزه را حضور خداوند در این جهان می بیند تا آنجا که این حضور بوسیله احساس معمولی درک میشود. (آنها آنچه را که معمولا دیده میشود رادیدند).

اماری عقیوا مرد تشوا و توبه بود او که اعقابش یهودی شده بودند<sup>۱۰</sup> تنها در سن چهل سالگی<sup>۱۱</sup> شروع به آموختن تورا کرد.

توبه و تشوا تمامی عبادت او بود و این خواسته او را که از قوانین این دنیا بالا تر برود را شکل میداد (همانطور که میدانیم<sup>۱۲</sup> او عاشق آن بود که بخاطر خداوند کشته بشود). بنابراین برای او بزرگترین معجزه ها ارتقاء تمامیت محدودیت های فیزیکی بود (آنها آنچه را که معمولا شنیده میشود را دیدند)

## ۷- فرامین تورا

فرمان های تورا دارای دو جنبه هستند :

(الف) - عاملی که در همه فرمان ها مشترک است و آن اینکه همه آنها فرمان هایی هستند که از طرف خداوند صادر شده اند.

(ب) - جزئیاتی که مخصوص هر یک از آنها به تنهاییست . هر یک مربوط میشود به نوعی از اعمال متفاوت انسان و جنبه متفاوتی از جهان را مقدس می کند .

ربی عقیوا و ربی ایشما هر کدام وارد جنبه متفاوتی شدند و ربی ایشمائل که هدف نهایی خلقت را در حضور یافتن الوهیت در این جهان محدود می داند. اصولا جزئیات فرمان ها را می بیند که چگونه هر کدام قسمت متفاوتی از جهان را مقدس می کنند و بنابراین او معتقد است که بیسرائل ها به فرمان های امر گفتند بله و به فرمان های نهی گفتند نه . به این معنا که آنها آنچه که یک نوع فرمان را از فرمان دیگر متفاوت میکرد را در نظر داشتند.

۸- خولین ۴۹ الف ۹- ویقرا ۲۱۰۷ ۱۰- رجوع شود به سفر هودروت راشی یوما ۲۲ ب

۱۱- آووت دربی ناتان ۲۰-۶ رجوع شود به پساخیم ۴۹ ب کتوبوت ۶۲ ب ۱۲- براخوت ۶۱ ب

اما برای ربی عقیوا آنچه که مهم بود بالا بردن سطح معنوی جهان و محدودیت های آن بود و بنابراین آنچه که در فرمان ها اساسی بود آن جنبه ای از آن بود که در همه مشترک بود و آن تجسم خواسته خداوند بود که محدودیتی نداشت . بنابراین او می گوید که بیسرائل ها به این جنبه مشترک جواب دادند که به همه فرمان های امر و نهی گفتند بله .

## ۸- امر در درون نهی - شخصیت ربی عقیوا

اما در واقع ما می توانیم درباره این عقیده ربی عقیوا عمیق تر تفکر کنیم . زمانی که او می گوید که بیسرائل ها به او امر نهی هم گفتند بله . این تنها به این معناییست که آنها بر آن جنبه مشترک همه فرمان های الهی جواب مثبت دادند بلکه مهم تر آنکه آنها حتی در چیزهای منفی فقط آنچه را که مثبت بود می دیدند. یعنی آن تقدسی که وقتی انسان خودش را از چیزی منع می کند به آن میرسد.

و این مطلب را می توان از قسمت دوم نظریه او کسب کرد (که راشی آنرا در تفسیر خود نمی آورد) که بیسرائل ها "آنچه را که بطور معمول دیده میشود را شنیدند" و علت آن این بود که برای آنها وجود فیزیکی جهان تنها یک درک عقلانی تلقی میشد و تنها واقعیت قابل لمس وجود خداوند بود ، آنها نمی توانستند وجود چیزهایی را لمس بکنند که با وجود خداوند در تضاد بود (خدایان دیگر) و بنابراین در اوامر نهی تنها عامل مثبت و امر را می دیدند . (برای تو خدایان دیگری نباشد).

ما این نظریه ربی عقیوا را بطور واضح در این واقعه که در تلمود<sup>۱۳</sup> آمده است می توانیم ببینیم . ربان گملیل ربی العازار بن عزریا ، ربی یهوشوع و ربی عقیوا با هم مسافرت می کردند و تصمیم گرفتند که به یروشالایم بروند وقتی که آنها به کوه اسکوپوس رسیدند لباس هایشان را پاره کردند و وقتی که به کوه مقدس رسیدند دیدند که شغالی از قدس القدس (قدش قداشیم) بیرون آمد با دیدن این منظره آنها شروع به گریه و زاری کردند. ولی ربی عقیوا شروع به شادی و خوشحالی کرد. از او پرسیدند که چرا خوشحالی می کنی؟ و او جواب داد که چرا شما گریه می کنید؟ آنها گفتند که در تورا آمده است که "شخص غریبه ای که نزدیک بشود کشته شود"<sup>۱۴</sup> و حالا که شغال ها داخل آن شده اند . آیا نمی بایست که گریه کنیم؟ ربی عقیوا جواب داد که به همین علت است که من خوشحالی می کنم . برای آنکه آمده است که خداوند می گوید "من برای خودم

۱۳- در پایان مسخت مکوت ۱۴- بیدیلر ۵۱-۱